



حسن روحانی:

طرح فروش داخلی نفت برای سامان دادن به بازار سرمایه است

گروه سیاست: رئیس‌جمهور در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت با تأکید مجدد بر اینکه دولت تا آخرین ساعت کار خود، با همه توان انجام وظیفه خواهد کرد، گفت: «مردم باید در زمینه تلاش دولت برای ایجاد ثبات و آرامش در اقتصاد...

• صفحه ۲

چهارشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۹ • ۲۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ • ۱۲ آگوست ۲۰۲۰

تنه‌ها

سعد الجبري، دشمن نخست بن سلمان

صفحه ۸

آغاز بررسی ادعای ۶۵میلیاردی میر سلیم علیه قالیباف

صفحه ۳

کسی قلعه‌نویی را می‌خواهد؟

صفحه ۱۱

هزینه‌های تعویق دیر هنگام کنکور

صفحه ۹



«دوم» ابراهیم گلستان

به‌روایت احمد غلامی و احمد آرام

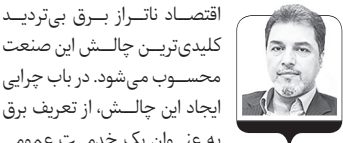
رودررو با تاریخ

صفحه ۶

حرف اول

اقتصاد ناتراز برق

پیام باقری'



اقتصاد ناتراز برق بی‌تردید کلیدی‌ترین چالش این صنعت محسوب می‌شود. در باب چرایی ایجاد این چالش، از تعریف برق به عنوان یک خدمت عمومی تا فرایند تعرفه‌گذاری و تخصیص گسترده یارانه از این کالای استراتژیک بسیار گفته شده است اما با وجود تأکید کارشناسان و متخصصان امر مبنی بر ضرورت اصلاح اقتصاد برق و همچنین درک متقابل قاطبه مراجع ذیربط از این موضوع، همچنان تغییر چشمگیری در ساختارهای قانونی و اجرایی این صنعت رخ ندهد؛ از این رو در سالی که صنعت برق با مشکلات عدیده‌ای نظیر آثار تحمیلی شیوع ویروس کرونا، تحریم‌های ظالمانه، کمبود منابع و نوسانات پرانده قیمت‌ها دست‌به‌گریبان است، چاره‌اندیشی برای رهایی این صنعت از قیود برشمرده امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. در این میان نقش مجلس یازدهم، کاملاً متمایز و تعیین‌کننده است؛ چراکه بخش درخورتوجهی از راهبردهای مؤثر در اصلاح ساختار اقتصادی صنعت برق، پیش‌تر توسط مجلس پیش‌بینی شده و در ادامه قابل پیاده‌سازی خواهد بود.با تأمل بر جریان هزینه و درآمد در بستر عرضه و تقاضای واقعی، پیداست که اقتصاد برق فی‌نفسه اقتصادی پویا و خودگردان است؛ البته چنانچه توازن در معادله هزینه و درآمد از طریق بازنگری هدفمند تعرفه‌ها و اصلاح نظام قیمت‌گذاری انجام شود که از این مهم می‌توان به عنوان گامی بنیادین در مسیر بهبود شرایط صنعت برق نام برد.تفاوت قیمت تمام‌شده برق با قیمت تکلیفی که در قالب یارانه به مشترکین اعم از مسکونی، صنعتی، کشاورزی و امثالهم تخصیص داده می‌شود، در طرف عرضه کاملاً ابعاد اقتصادی به خود می‌گیرد، به گونه‌ای که مانند هر کالای دیگری، جمع نهاده‌های تولید در کنار یکدیگر، قیمت تمام‌شده برق را تشکیل می‌دهد که تولیدات و خدمات بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی سهم معتدایی در آن دارند اما درست در طرف تقاضا، پای قیمت تکلیفی به میان می‌آید که نماد یک خدمت عمومی را به ذهن متبادر می‌کند حال آنکه این تفاوت آشکار یا به‌عبارتی همان یارانه برق، سرنوشت یک صنعت زیربنایی با عمق ساخت داخل بالا و پیشرو در صادرات تجهیزات با تکنولوژی برتر و خدمات فنی و مهندسی را تحت‌الشعاع قرار داده؛ چراکه اولین و جدی‌ترین اثر این اقتصاد ناتراز، کمبود منابع و نقدینگی در صنعتی است که بسیار سرمایه‌بر است.

ادامه در صفحه ۲



ساخت‌وساز ۴۱میلیاردی مجلس

اعتبارات عمرانی که از دهه ۷۰در لیست بودجه قرار گرفت تاجه زمانی ادامه دارد؟

گروه اقتصاد: ردیف اعتبارات عمرانی مجلس که از دهه ۷۰ وارد بودجه شد حرف و حدیث‌های فراوانی دارد. درست از زمانی که ساخت مجلس هرمی‌شکل آغاز شد، پای بودجه عمرانی به ردیف‌های بودجه خانه ملت هم باز شد و گفته می‌شود که این پول صرف ساخت خانه سازمانی برای نمایندگان مجلس، پد فرود بالکرد، درمانگاه و... می‌شود. مجلس سال گذشته ۴۸ میلیارد تومان بودجه عمرانی داشته که این رقم امسال با ۴۱ میلیارد تومان رسیده است، اگرچه بودجه عمرانی امسال نسبت به سال قبل کاهش یافته اما به گفته کارشناسان، خانه ملت هر وقت که

خواهد در لایحه بودجه دولت به نفع خودش دست می‌برد، در چنین شرایطی و با توجه به اخباری که در زمینه بروز فساد در ساخت‌وسازهای مجلس هم مطرح می‌شود، پرسش‌های مختلفی در ذهن شکل می‌گیرد. نخست اینکه چه زمانی این ساخت‌وسازها تمام خواهد شد؟ آیا تا ابد باید برای مجلس بودجه عمرانی در نظر بگیریم؟ در شرایطی که ساخت خانه سازمانی به موجب قانون برای پرسنل دولت هم ممنوع شده، آیا مجلسی‌ها همچنان برای ساخت بودجه می‌گیرند؟

مشروح گزارش را در صفحه ۵ بخوانید



صفحه ۲

سعید مرتضوی به‌دنبال چیست؟

یادداشت - بخش پایانی

پساکرونا؛ هژمونی و تعادل در دنیای فرارو



حمید بهلولی'

در دو نوشتار پیشین به‌طورخلاصه به علل پسینی نظام بهداشت در کشور در مقابله با ویروس کرونا پرداختیم و در این شماره بیشتر به چه باید کرد در چارچوب سیاست تجویزی با نگاهی به سناریوهای احتمالی پیش‌رو می‌پردازیم.

دنیای نیونرمان:چهره جدید زندگی انسان امروزه دنیا باور کرده است که تغییر بزرگی در حوزه انسانی و طبیعی در حال شکل‌گیری است و چه کرونا ریشه‌کن شود و چه نشود این تغییرات نحوه نگاه انسان، شکل زندگی او و مناسباتش با طبیعت را تغییر خواهد داد و دنیا به ترم و وضعیت عادی جدیدی خواهد رسید که با وضعیت نرمال قبلی متفاوت خواهد بود. چیزی که از آن به نیونرم تعبیر می‌شود. درک این نیونرم در سیاست‌گذاری‌های آینده کشور بسیار حیاتی است.آنچه محتمل به نظر می‌رسد این است که پدیده کرونا یک گسل تاریخی مابین انسان پیشاکرونا و پساکرونا ایجاد خواهد کرد و دنیای آینده مبتنی بر نرم جدید پساکرونا ساخته خواهد شد. بسیاری از حوزه‌های حیات انسانی و طبیعی تحت تأثیر قرار خواهند گرفت و البته حوزه آموزش از جمله اولین حوزه‌های تحت تأثیر خواهد بود. تغییر آموزش موجب تغییر بسیاری از پدیده‌های دیگر خواهد شد. پیش‌بینی می‌شود که میزان منابع تخصصی‌یافته برای ایجاد تغییرات و سازگاری در بخش آموزش حتی از منابع تخصیص‌یافته به بخش سلامت پیشی بگیرد. اقتصاد جدیدی در جهان شکل خواهد گرفت و چه‌بسا جهش‌های تمدنی شکل خواهد گرفت. کشورها و ملت‌هایی که بتوانند در این سکوی پرتاب جهش تمدنی قرار بگیرند چهره آینده دنیا را خواهند ساخت و آنها که از آن فرو افتند سرنوشت غمباری خواهند یافت.حال با این توضیح و تفسیر برون‌رادهای سیاسی گذشته در نظام سلامت کشور به تشریح سیاست‌های تجویزی پیشنهادی در کنترل پاندمی ویروس کرونا در کشور می‌رسیم.

چه باید کرد؟ با نگاهی به گذشته و آینده بنده در ابتدای واقعه کرونا در نوشتاری از منظر شاخص‌های امنیت سلامت وضعیت کشور را نگران‌کننده اعلام کردم، ولی در فضای خوش‌بینی توجهی نشد و در شروع موج اول کرونا در مقاله‌ای در روزنامه «شرق» لزوم ایجاد قرارگاه ملی و ستاد فرماندهی واحد و مدل لازم برای ایجاد آن را ارائه دادم و خوشبختانه چنین قرارگاهی تشکیل شد

ادامه در صفحه ۱۱

در سال‌های گذشته، از سر تغافل یا شاید خوش‌بینی از ارتباط تنگاتنگ سیاست خارجی و سیاست داخلی چشم‌پوشی می‌شد و گمان می‌رفت می‌توان یکی را بدون دیگری مدیریت کرد و سامان داد؛ اما مدتی است این دو فاکتور به‌شدت به یکدیگر پیوند خورده‌اند تا حدی که می‌شود ادعا کرد هر پروژه اصلاح‌جویانه‌ای باید توامان از سیاست داخلی و خارجی سخن بگوید. به‌همین دلیل اینکه می‌گویند هنگامی که سیاست به پایان می‌رسد، جنگ آغاز می‌شود، شاید حرف نادرستی باشد، زیرا در این میان دوره فترت یا به‌اصطلاح «صلح مسلح» وجود دارد؛ وضعیتی که در آن عنصر زمان به نفع آن طرفی است که دارای قدرت اقتصادی، رسانه‌ای و استخباراتی بیشتری است و همین عوامل ممکن است طرف مقابل را به کرنش وادارد.

واقعیت آن است که سیاست خارجی ما، الگویی مشابه سیاست داخلی‌مان دارد. نتیجه آنکه می‌بینیم چه در خارج و چه در داخل با نوعی تعلیق مواجه هستیم. در ادامه، ابتدا نقاط تناظر سیاست خارجی و سیاست داخلی را تصویر می‌کنم و سپس سراغ یک راه‌حل می‌روم.در بررسی ربط و نسبت سیاست داخلی و خارجی با چهار متغیر تأثیرگذار مواجه هستیم؛ «داخل»، «خارج»، «مذاکره» و «جنگ» که هریک یکی آنها را توضیح خواهم داد. در ناحیه اول که از تقاطع دو متغیر «داخل» و «مذاکره» به‌وجود آمده است، بناسم بیان نیروهای داخلی و نظام مذاکراتی صورت بگیرد تا در بی آن دستاوردهایی از قبیل کارآمدکردن دولت، حقوق بشر، انتخابات آزاد و... حاصل شود. به بیان دیگر، در این ناحیه انواع گفتارهای ایجابی اصلاح‌جویان به منصفه ظهور می‌رسد و «اصلاحات ساختاری» پدید می‌آید.در ناحیه دوم که از تقاطع دو متغیر «خارج» و «مذاکره» به وجود آمده است، مقرر است میان دولت‌های خارجی و نظام مذاکراتی صورت بگیرد که اولاً در رفتار نظام تغییراتی ایجاد شود و ثانیاً بر سر مسائلی از جمله فعالیت‌های منطقه‌ای، امنشکی و امنی توافقاتی حاصل شود. این ناحیه عمدتاً از سوی دموکرات‌های آمریکا و برخی دولت‌های اروپایی نمایندگی می‌شود؛ هرچند رئیس‌جمهور جمهوری‌خواهان نیز در مواردی با عدول از گزاره «تغییر رژیم» از «تغییر رفتار رژیم» سخن گفته است. در ناحیه سوم که از تقاطع دو متغیر «خارج» و «جنگ» به وجود آمده، اصلی‌ترین پروژه تغییر رژیم و دخالت نظامی است. استدلال‌ها در این ناحیه این‌گونه است که اصلاحات داخلی (ناحیه اول) و اصلاحات خارجی (ناحیه دوم) شکست خورده یا منتع شده است؛ بنابراین چاره‌ای جز دخالت خارجی و تغییر رژیم وجود ندارد. افرادی مانند جان بولتون، مایک پمپئو و امثالهم این نگاه را نمایندگی کرده و می‌کنند.در ناحیه چهارم که از تقاطع دو متغیر «داخل» و «جنگ» به وجود آمده است،



خشمگین از امپریالیسم ترسان از انقلاب

یادداشتی از سعید حجاریان

عسک: سهیل تاجی - شرق

سه نوع اقدام متصور است. اولین آنها هرج‌ومرج است که کمابیش در بخش‌هایی از اعتراضات ده‌ماه ۱۳۹۶ و آبان‌ماه ۱۳۹۸ به وجود آمد. در آن اعتراضات اولا عنصر سازماندهی غایب و ثانیاً پراکندگی بسیار بود و از آن گذشته سازوکار برخورد متفاوت بود. در نتیجه بخش‌هایی رو به اعتراض آرام رفتند و بخش‌هایی دیگر میل به خشونت کردند. دومین اقدام سطحی بالاتر و همبسته‌تر از اعتراضات پراکنده دارد و ذیل عنوان «انقلاب مخملی» می‌گویند هنگامی که سیاست به پایان می‌رسد، صورت‌بندی می‌شود. در انقلاب مخملی آلترناتیو خشونت‌پرهیز وجود دارد که می‌تواند نظام موجود را به چالش بکشد و با شیوه‌های مختلف کم‌کم آن را وادار به عقب‌نشینی کند و حتی در مواقعی با بخش‌هایی از حاکمیت ائتلاف کند؛ مانند آنچه در آلمان شرقی یا در جنبش همبستگی لهستان رخ داد و نهایتاً باعث سقوط دولت‌های مستقر شد. سومین و آخرین اقدامات، «انقلاب کلاسیک» است؛ نمونه ایدئال انقلاب‌های کلاسیک انقلاب کبیر فرانسه است که طبقات نوپسیدی مانند بورژوازی و نیز طبقات متوسط جدید توانستند فئودال‌ها را شکست دهند و دولت بورژون‌ها را بدون هیچ مذاکره و زدوبندی در نبردی خونین ساقط کنند. لازم به ذکر است امکان رخ‌دادن انقلاب مخملی و کلاسیک در بعضی کشورها و وضعیت‌ها از جمله ایران بعید و حتی غیرممکن است.

اشتراک‌ها و افتراق‌ها

در توضیح ایده‌ها و برنامه عملیاتی هریک از این نواحی یادداشت‌ها و مقالاتی نوشته شده و نگارنده نیز کمابیش دیدگاه‌های خود را مکتوب کرده است؛ بنابراین در اینجا به چارچوب این مقاله وفادار خواهم بود و صرفاً از ربط و نسبت چهار مؤلفه پیش‌گفته سخن می‌گویم. (۱) میان این نواحی، چنان‌که پیداست اشتراک‌هایی وجود دارد که به کار توصیف بهتر وضعیت می‌آیند. در نواحی اول و دوم مقوله مذاکره و تغییر رفتار مشترک است، اما در بنیان آنها تفاوت‌هایی وجود دارد. در ناحیه اول نگاه‌ها صرفاً به داخل بوده و محدوده مذاکره درونی است. اما ابتدای ناحیه دوم بر عناصر خارجی است. از این منظر باید گفت دیدگاه مذاکره‌محور از سوی دو طیف نمایندگی می‌شود؛ دو طیفی که آرمان‌ها، عقیه و حاملان متفاوتی دارند. (۲) بازنگار نواحی دوم و سوم مشترکاً از ابزار «تحریم» بهره می‌گیرند. یعنی مردم ایران از کانون توجه آنها خارج و در خوش‌بینانه‌ترین حالت به مسئله درجه دوم تبدیل شده است. حاصل این دیدگاه حداقلی‌کردن درآمد نفتی و افزایش بی‌کاری و فقر و فشارهای روزافزون است که طبعاً قشرهای فردوست را هدف می‌گیرد.

نواحی اول و چهارم به دلیل جغرافیای مشترک‌شان (حضور در داخل) محدودیت‌هایی دارند و درجود از امکانات آنها کاسته شده است.

ادامه در صفحه ۳

محمدرضا عارف:

اعتماد عمومی به دولت و حاکمیت آسیب دیده است

گروه سیاست: رئیس‌بنیاد امید ایرانیان در مراسم رونمایی از کتاب «بیانیه عاشورا» اثر حجت‌الاسلام احمد مازنی، با تأکید بر اینکه عاشورا حق بزرگی بر کردن انقلاب اسلامی ایران دارد و انقلاب اسلامی ایران که یک انقلاب فرهنگی بود...

• صفحه ۳

سال هفدهم • شماره ۳۷۹۰ • موقتا ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

تصویری از دیپلماسی لبنانی ایران

ابوالقاسم دلفی'



انفجار سه‌شنبه گذشته در بندر بیروت، نمایی از دیپلماسی منطقه‌ای - بین‌المللی و حضور در حوزه‌های منافع ملی کشور را به نمایش گذاشت. اینکه حوادث، تحولات و وقایع نگران‌کننده ناشی از انفجار بیروت از کجا شروع و به کجا ختم می‌شود، باید به عنوان راهنمای چگونگی بهره‌برداری از فرصت‌ها و رخدادها، همواره در مقابل مسیرپایب منافع ملی قرار داشته باشد.پس از اعلام موضع رسمی و ابراز همدردی و آمادگی برای کمک، مساعدت و مشارکت در کاهش آلام مردم لبنان که در روزهای اولیه پس از بحران اوضاع داخلی و از سوی مسئولان حوزه‌های مختلف دیپلماسی کشور انجام شد، تحولات لبنان به گونه‌ای رقم خورد که حکایت از نوعی فرصت‌طلبی و برنامه‌ریزی‌های مشخص برای تأثیرگذاری بر اوضاع داخلی لبنان و تغییر حاکمیت این کشور دارد.امانول مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، در سفر به لبنان با تمام فراز و فرودهایش، ظاهراً اهدافی را دنبال می‌کند که حداقل در یکی از آنها، قطع یا کاهش نفوذ و اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران در لبنان و به تبع آن به‌حاشیه‌راندن حزب‌الله و خروج این نیروی مؤثر در تحکیم حاکمیت لبنان از حوزه نفوذ و اثرگذاری در این کشور، می‌تواند از خطوط پرنگ‌تر آن باشد. اینکه پاریس و مکرون سودای بازگشت به قیومیت گذشته و تأمین منافع حاکمیت مارونی سیاسی لبنان را در سر می‌پروراندن، نمی‌تواند دور از ذهن و انتظار باشد اما تحقق این رؤیا، ابزار و مقدماتی لازم دارد که انفجار بندر بیروت می‌تواند زمینه‌ساز آن شده باشد.رئیس‌جمهور فرانسه در سفر کوتاهش به بیروت که اوج آمادگی قبلی فرانسه برای حضور در لبنان ماتم‌زده از انفجار را نشان داد، هر آنچه را در یک سفر برنامه‌ریزی‌شده و به قول خودشان «سفر دولتی» که برای تحقق آن باید ماه‌ها تدارک دید، نمی‌توانست انجام دهد، در برنامه کاری خود قرار داده بود. چگونه قابل‌تصور است که اوضاع امنیتی در بیروت که دو روز قبل از آن شاهد انفجاری مهیب و مرگ‌بار بوده و هنوز رئیس‌جمهور لبنان این فرصت را نیافته است که به آن منطقه سرکنشی کند، برای باردی و حضور توام با توقف رئیس‌جمهور فرانسه مجوز کسب کند. این سؤال پاسخی جز یک علامت سؤال بزرگ در مقابل گروه تحقیق علت انفجار بیروت نخواهد داشت.مکرون در زمان حضور در لبنان موضوعات درخورتوجهی را درخصوص تشکیل «میست بین‌المللی تحقیق برای ریشه‌یابی علت انفجار»، «برگزاری فرانسس کمک به لبنان در پاریس» و بالاخره «ضرورت اصلاحات در لبنان» مطرح کرد و بلافاصله در بازگشت به فرانسه در تماشای تلفنی جمعه گذشته خود با رئیس‌جمهوری آمریکا، ترامپ را در جریان اوضاع لبنان قرار داد. بر اساس بیانیه کاخ الیزه درخصوص مکالمه تلفنی که با تفسیر و تکمیل آن از سوی منابع نزدیک به ریاست‌جمهوری فرانسه همراه بود، مکرون به ترامپ یادآوری کرده است تحریم‌هایی که واشنگتن علیه حزب‌الله اتخاذ می‌کند، می‌تواند به نفع این حزب و ایران حامی حزب‌الله تمام شود.معنی روشن‌تر این بیان مکرون، ترغیب رئیس‌جمهور آمریکا به پرهیز از هر اقدامی که باعث فرصت‌دهی به ایران و حزب‌الله در لبنان باشد، نخواهد بود؛ بنابراین در چارچوب راهبرد رئیس‌جمهور فرانسه، محور اول نتیجه‌گیری از اتفاقات و حوادث جاری لبنان، «فرصت‌سازی به منظور کم‌کردن نفوذ و اثرگذاری ایران و حزب‌الله در اوضاع لبنان است».بر اساس بیانیه کاخ الیزه، مکرون در مکالمه تلفنی خود همچنین از ترامپ خواسته است که آمریکا را به صحنه لبنان بازگرداند زیرا اوضاع وخیم بوده و باید توانایی و قدرت حمایت از لبنان وجود داشته باشد و آمریکا نباید لبنان را به نفع کسانی که می‌خواهد آنها را جریمه کند، ترک کند.محور بعدی راهبردی فرانسه و جمع مکرون برای «لبنان جدید» تشکیل ویدئوکنفرانس یکشنبه گذشته در پاریس برای جمع‌آوری کمک به لبنان بود که در آن «رئیس‌جمهور لبنان، رئیس‌جمهور آمریکا، رئیس‌جمهور فرانسه، رئیس شورای اروپایی، نخست‌وزیران ایتالیا و اسپانیا، امیر قطر، دبیرکل سازمان ملل و بشری بیانه کی، روسیه، اردن، مصر، حوزه خلیج فارس و برخی اروپایی‌ها» شرکت داشتند.نکته حائز اهمیت و مهمی که از نگاه‌های بسیاری از منابع مسئول داخلی برای عکس‌العمل نشان‌دادن مغفول ماند، اعلام این موضوع از سوی کاخ الیزه فرانسه درخصوص کشورمان بود مبنی بر اینکه ایران تأملی برای مشارکت در این کنفرانس از خود نشان نداده است.

ادامه در صفحه ۴